

حیف و میل ملی: آنچه بقاء هر سیستمی را تهدید می‌کند: آیا سازکاری برای مبارزه با آنها وجود دارد؟

حسن دانائی فرد^{۱*}

استاد، گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

چکیده:

وقوع میل‌ها و حادث شدن حیف‌ها امری متداول در فرآیند کشورداری حکومت‌هاست. اگرچه ملموس بودن میل‌ها و توجه رسانه‌ها به آنها، فساد را در اذهان مردم کشورها برجسته می‌سازد ولی اثر حیف‌ها بر حیات و ممانت کشورها به مراتب می‌تواند ویران‌کننده‌تر باشد اما چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرد. عوامل ساختاری، فرآیندی، فرهنگی، اجتماعی، ایدئولوژیک متعددی می‌توانند زمینه‌ساز فراز و فرود حیف‌ها باشند ولی سازکاری به نام علم کشورداری (علم حکمرانی، مدیریت و عملیات) می‌تواند از شدت و حدت حیف‌ها بکاهد. براین اساس تجهیز دستگاه اداره هر کشوری به چنین علمی ضامن احتراز آنها از حیف‌ها خواهد بود و نفعی این عبارت متداول دولتمردان یعنی «نمی‌گذارند کار کنیم» خواهد بود. در این نوشتار مختصر نویسنده مدعی است نوعی فناوری به نام علم کشورداری می‌تواند حکومت‌ها را در برابر خطر دچار شدن به حیف‌ها محفوظ نگه دارد.



مقدمه

شاید به صراحت، فلسفه شکل‌گیری حکومت‌ها را ارتقاء کارآمدی و بسط عدالت در جامعه دانست. صرف‌نظر از اینکه چه چیزی انسان‌ها را متقاعد به اقامه حکومت کرد، عامه مردم، حکومت را پاسدار منافع خود می‌دانند، آن را حافظ منابع ملی خود تصور می‌کنند، آن را محمل بزرگ توزیع فرصت‌ها، منابع، مشاغل و مکان‌ها محسوب می‌کنند. هر حکومتی بنا به فلسفه سیاسی مندرج در قانون اساسی خود فرآیندی را برای کشورداری خود تعین می‌کند. بنابراین همه کشورها چه نظام‌های ریاستی، چه پارلمانی براساس نظریه تفکیک قوا، سیستم کشورداری خود را در سه سطح حکمرانی، اداره امور و عملیات تنظیم می‌کنند. کارویژه اصلی سطح حکمرانی در قالبی به نام خط‌مشی‌های ملی متجلی می‌شود که عبارت است از مجموعه‌ای از قوانین، مقررات و اقداماتی که برای حل یک مسئله عمومی در پیش گرفته می‌شود. خط‌مشی‌ها، سطح دوم حکمرانی را یعنی «مدیریت دولتی» یا همان «اداره امور عمومی» را جهت می‌دهند. مدیریت دولتی برای پیاده‌سازی منویات حکمرانان، یعنی خط‌مشی‌ها دست به برنامه‌ریزی، سازماندهی، رهبری و کنترل «فرآیند نظام اداری» می‌زند. به عبارت دیگر با تدوین اهداف و راهبردها، مسیرهای اجرای راهبردها را در پرتو طرح‌ها، برنامه‌ها و پروژه هموار می‌کند. بخش میدانی و عملیاتی نظام کشورداری در پرتو این راهبردها، «رویه‌هایی را در همه ساحت‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و ...» تنظیم می‌کند و براساس آنها امور جاریه کشور را رتق و فتق می‌کند. بسته به این که ارزش‌های بنیادی هر کشور چه باشد شکل و محتوای فرآیند کشورداری تعیین می‌شود. «کارایی»، «عدالت اجتماعی»، «دموکراسی»، «ارزش‌های دینی» و ... به سیستم حکمرانی رنگ و لعاب خاصی می‌دهند. بخش حکمرانی هر کشور در دست قوه مقننه است. این قوه متولی سیاست (Politics) خط‌مشی‌های عمومی (Public Policies) کشورها است. همه مصوبات مجلس یا همان قوه مقننه تعیین می‌کند که «چه چیزی، چگونه و کی عاید چه کسانی شود (این همان سیاست (Politics) است)».



محمل اجرای این کار همان خط‌مشی‌ها (قوانین، مقررات، مصوبات و ... است). قوه مجریه، مجری این خط‌مشی‌هاست (حتی اگر خود این قوه براساس لوایح خود بانی شکل‌گیری قوانین و مقرراتی باشد که در نهایت با امضاء مجلس مشروعیت پیدا می‌کند). این قوه مجری بسط عدالت است ولی زیرساخت آنها در دست مجلس است. بنابراین اگر در کشوری بی‌عدالتی است، فساد بالاست، منابع در حال هدر رفتن است و ... قوه مقننه مقصر اصلی است نه قوه مجریه زیرا قوه مجریه براساس مسیر تعیین شده توسط مجلس حرکت می‌کند و مجاز به تخطی از آن نیست، زیرا قوه قضائیه مأمور رسیدگی به تخلفات و تخطی‌های دولت از مسیری است که قوه مقننه وضع کرده است. به عبارت دیگر سطح سوم که همه عملیات میدانی کشور را در برمی‌گیرد براساس رویه‌های قانونی اجرا می‌شود. این فرآیند شوررداری در یک اکوسیستم ملی و بین‌المللی فعالیت می‌کند. همانطور که اکوسیستم بر این فرآیند تأثیر می‌گذارد، بسته به قدرت ملی کشورها، این فرآیند بر اکوسیستم نیز تأثیر می‌گذارد. این فرآیند در پرتو نظریه‌ای سیستم‌ها و رویه‌هایی دارد و پس از پردازش به خروجی‌هایی تبدیل می‌شود. بازخوردها از اکوسیستم این جریان را تنظیم می‌کند. کیفیت و قابلیت حاکمان، سیاستمداران، خط‌مشی‌گذاران، مدیران و کارکنان حکومت از یک طرف و قدرت هم‌سازی و هم‌نوایی جامعه با حکومت و تعامل با اکوسیستم باعث می‌شود ورودی‌ها به نحوه‌ای مناسب به حداکثری از خروجی‌ها تبدیل شود و در پرتو آن رفاه مردمان کشور ارتقاء پیدا کند. اما بی‌تدبیری متولیان کشور کلیت کشور را در معرض دو تهدید عمده قرار می‌دهد: میل‌ها و حیف‌ها.

ژوئیه‌شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

میل و حیف‌های ملی

عبارت میل و حیف با اندکی تسامح و تسامل مفهومی می‌توان آن را با «فساد ایجادی و فرصت‌های از دست رفته» یکی دانست. فساد، منابع، امکانات، درآمدها، ثروت‌ها، نگاه‌ها و توجه‌ها را به ناحق به جیب عده‌ای خاص واریز می‌کند. ریشه شکل‌گیری این فساد را باید در خط‌مشی‌هایی جستجو کرد که قوه مقننه تصویب می‌کند. خط‌مشی‌های فسادزا حیات سیاسی یک حکومت را تهدید می‌کند. خط‌مشی‌های اجرایی دولت که براساس خط‌مشی‌های تضمینی قوه



مقننه وضع می‌شود نیز می‌تواند مأخذ فساد باشد ولی باید اذعان کرد که دوز فساد آنها بستگی به خط‌مشی‌های تقنینی مجلس دارد. این که فساد چیست؟ سازکارهای موجود آن چیست؟ آثار آن چیست؟ مورد بحث بسیاری از کتب (برای مثال حاجی‌پور، ۱۳۹۵؛ چیستی، ۱۳۷۵)، مقاله‌ها (برای مثال محمدی و همکاران؛ ۱۳۹۵؛ افضل‌ی، ۱۳۹۰؛ افشار و همکاران، ۱۳۹۷؛ زاهدی غروری و همکاران، ۱۳۹۶؛ گلخندان و صحرائی، ۱۳۹۹؛ برومند، ۱۳۸۷؛ محمدی و همکاران، ۱۳۹۸) قرار گرفته است. در این که فساد بهره‌وری را مخدوش می‌سازد (برای مثال، محمدپناه و صبرکش، ۱۳۹۲)، رشد اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد (برای مثال زاهدی غروری و همکاران، ۱۳۹۸)، توسعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد (برای مثال افضل‌ی، ۱۹۰) و ... اتفاق نظر وجود دارد. اما روانشناسی انسان بنا به ماهیت خاص آن، فساد را که همان میل نامیده می‌شود بیشتر مورد توجه قرار می‌دهد ولی واقعیت این است که «حیف‌ها» ممکن است اثراتی به مراتب وحشتناک‌تر در پی داشته باشند ولی چون نسبت به میل‌ها ناملموس‌تر هستند و قدری پنهان هستند کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد. به زبانی ساده حیف یعنی «فرصتی که می‌توانست کشور را بزرگ کند، بهره‌وری آن را ارتقاء دهد، آن را از وضعیت موجود نجات دهد، آن را مولد سازد، منابع آن را غنی کند، مردم آن را امیدوار سازد، سیستم‌های آن را بهینه کند در اثر انتخاب راهی دیگر و ... از دست برود». ولی چون این فرصت از دست رفته جایی ثبت نمی‌شود، کسی مسئولیت آن را بر عهده نمی‌گیرد. ذهن ملی چندان آن را احساس نمی‌کند. حیف‌ها ممکن است کشور را صدها سال عقب بیندازد، سال‌ها آن را گرفتار مشکلات سازد، سال‌ها آن را بی‌رونق کند، سال‌های سال تصمیم‌های آن را بی‌اعتبار سازد، و گاهی برای همیشه او را فلج کند. بیماری که باید داروی خود را مصرف کند و نکرده و سرطان کل بدنش را فرا گرفته بعد از آن هر دارویی بخورد دیگر کارساز نخواهد بود. لحظه‌ای به اوضاع مسکن کشور نگاه کنید. حیف‌های تحمیلی دولت‌ها بر کشور در پرتو خط‌مشی‌های مخرب قیمت مسکن را به جایی رسانیده که به ظاهر نمی‌توان آن را حل کرد، حتی در عمل دولتی نتوانسته است تاکنون ذره‌ای این معضل کشور را مرحمی نهد. حیف‌ها تأسف آورند. به این عبارت نگاه کنید: کاش آن مسکن را می‌خریدم، کاهش آن تصمیم را نمی‌گرفتیم، کاش اجازه نمی‌دادیم پرونده ما به شورای امنیت بروند، کاهش با آن کشور چنین برخوردی نمی‌کردیم، کاهش ... گاهی این



کاشها دیگر هیچ فایده‌ای برای کشور ندارد. وقتی سرطان تمام سلول‌های بدن را به تسخیر خود درآورده است بیمار را در هر بیمارستانی، در هر کشوری با هر کیفیتی، تحت نظر هر پزشک حاذقی قرار دهید دیگر نتیجه‌ای نخواهد داد. حیف‌های ملی هم ریشه در خطمشی‌های تقنینی و اجرایی هر حکومتی دارد. کیفیت پایین این خطمشی‌ها شلاق حیف‌ها را چنان بر پیکر کشور فرود می‌آورد که نشانه‌های آن بر تار و پور جسم وطن، هر دلسوزی را به وحشت می‌اندازد. چرا حیف‌های ملی یک کشور زیاد می‌شود؟

پیشایندهای شکل‌گیری حیف‌های ملی

در این که چرا حیف‌های ملی رخ می‌دهد، علل متعددی می‌توان ذکر کرد، ولی بی‌تردید کیفیت خطمشی‌ها، راهبردها و رویه‌های حاکم بر فرآیند کشور بسیار تعیین‌کننده خواهد بود. این که قوه مقننه در اختیار چه کسی است؟ چه افرادی آن را اداره می‌کنند، نمایندگان مجلس چه کیفیتی دارند، کیفیت خطمشی‌ها و قوانین ملی را شکل می‌دهد. وقتی خطمشی‌های ملی کیفیت لازم نداشته باشند، دستگاه اجرایی کشور به دست هر نیروی کار بلدی هم داده شود، اتفاق خاصی در کشور نخواهد یافت. براین‌اساس ساختار سیاسی کشور، فرآیندی سیاسی کشور، نیروی انسانی قوه مقننه، مبانی فکری و اندیشه‌ای سیاستمداران می‌تواند در فراز و فرود حیف‌های ملی اثرگذار باشند. در عین حال همه این عوامل پیش‌شرط شناخت درست محیط تصمیم‌گیری‌های خطمشی‌ای، تمهید راه‌کارهای موثق و انتخاب بهترین خطمشی‌ها و قوانین ملی محسوب می‌شوند. آیا سازکاری برای احتراز از حیف‌های ملی وجود دارد؟

سازکار احتراز از حیف‌های ملی

بی‌تردید سازکار مطلق برای احتراز از رخ دادن حیف‌ها چه در سطح شخصی و چه در سطح ملی وجود ندارد ولی بشر در گذر زمان به نوعی فناوری تجهیز شده است که می‌تواند از وقوع متعدد آنها جلوگیری کند. این سازکار یا فناوری در سطح نخست حکمرانی عبارت است از علم حکمرانی و خطمشی‌گذاری عمومی. دانشکده‌ها، مراکز پژوهشی و اندیشکده‌های متعددی در سراسر عالم وجود دارند که به حاکمان و سیاستمداران کمک می‌کنند تا تصمیم‌هایی اتخاذ



کنند که «افسوس ملی» آنها در انتها نصیب ملت‌شان نشود. تحلیل خط‌مشی ملی، فنآوری عظیمی است که اگر درست به‌کار گرفته شود می‌تواند تا حد زیادی مانع رخ دادن حیف‌های ملی شود. ارزشیابی خط‌مشی‌های ملی نوعی فنآوری علمی است که اجازه نمی‌دهد پول ملت صرف خط‌مشی‌هایی شود که «هوای پاک کشور را آلوده کند»، «شهرهای آباد را به بیابان تبدیل کند»، «مردم را گروگان خودروسازان بی‌انصاف کند»، «پول ملی را به پایین‌ترین ارزش تاریخی خود برساند»، «اعتبار ملی کشور را در جهان مخدوش سازد»، بلکه کمک می‌کند تا «عزت ملی کشور ارتقاء پیدا کند»، «چشم طمع بیگانگان به کشور را بی‌اثر سازد»، «امید در ملت را و اعتماد به حکومت را افزایش دهد».

در سطح دوم فرآیند کشورداری نوعی فنآوری به‌نام «مدیریت» وجود دارد که در پرتو برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، رهبری و کنترل مانع حیف‌های ملی می‌شود. مدیریت با واکاوی دقیق محیط متناسب با درجه پیچیدگی و تنوع محیطی اهدافی را شکل می‌دهد و راهبردهایی را اقامه می‌کند که فرصت‌ها را در زمان مناسب به‌چنگ می‌آورد و اجازه رخ دادن حیف‌ها نمی‌دهد. در سطح عملیات طراحی سیستم‌های دقیق اجازه نفوذ برای میل اموال، دارایی‌ها، ثروت‌ها، درآمدها و منابع مردم را نمی‌دهد و زیرساختی فراهم می‌کند که منجر به اتخاذ تصمیم‌هایی می‌شود که از رخ دادن حیف‌ها احتراز می‌کند. از این رو گفته می‌شود در مدیریت، سیستم حکمرانی می‌کند نه شخص. وقتی در کشوری کیفیت ورودی‌های نهادهای خط‌مشی‌گذار در سطح پایینی قرار گرفته باشد، مدیریت دولتی در ید قدرت ستادهای انتخاباتی قرار گیرد، مجلس شورای اسلامی بدون توجه به کیفیت، نیرو به دولت تزریق کند، دستگاه‌های نظارتی سیاست‌زده شوند و پایش مردمی از ساحت‌های مختلف جامعه تنزل پیدا کند و در نتیجه خط‌مشی‌ها، راهبردها و رویه‌هایی در کشور علم شود که نفع عده‌ای خاص را ولو به ناحق در اذهان جامعه حک کند، خط‌مشی‌ها، راهبردها و رویه‌هایی که بیش از آن که بر منابع ملی استوار باشد صبغه تقابلی داشته باشند، (برای مثال چون حزب الف متولی این توافق‌نامه است و حزب ما باید باشد پس نباید اجازه داد چنین توافق‌نامه‌ای اجرایی شود نمونه خط‌مشی‌های تقابلی است)، حیف‌های ملی روز به روز آینده یک کشور را در اذهان مردم مبهم می‌کند، هر چند حاکمان دلسوز لحظه‌به‌لحظه الهام‌بخشی کنند و امیدواری در دل‌ها را ارتقاء



دهند، زیرا آنچه در رفتار مجریان و خط‌مشی‌گذاران دیده می‌شود با منویات حاکمان و رهبران در ذهن مردم ممکن است تفاوت زیادی داشته باشد. نتیجه آن که علم‌کشورداری (مشمول بر علم حکمرانی، علم اداره و علم عملیات) اگر در دستور کار تصمیم‌گیری‌های حاکمان، سیاستمداران، خط‌مشی‌گذاران و مدیران قرار گیرد و براساس آن سیستم کشور (ورودی‌ها، پردازش‌ها، خروجی‌ها و بازخوردها) طراحی شود می‌توان تا حد زیادی از وقوع حیف‌ها احتراز کرد. این عبارات که «نمی‌گذارند ما کار کنیم، توطئه می‌کنند، مانع‌تراشی می‌کنند، تحریم می‌کنند، تهدید می‌کنند». توجیه‌کننده حیف‌های ملی نیست زیرا اصولاً وقتی علم‌کشورداری معنا پیدا می‌کند که «محدودیت‌هایی وجود داشته باشد» و گرنه «در فضای وفور، کارآمدی معنا ندارد». در علم‌کشورداری هنرمندی حاکمان و سیاستمداران در رام کردن محیط نهفته است، محیط کشور متخاصم است، برای همه کشورها ولی دوز و درجه آن متفاوت است. کشورداری موفق در مواجهه عالمان با محیط و بهره‌برداری صحیح از منابع درون کشور نهفته است. به عبارت دیگر در «مدیریت ملی» می‌توان برای اطلاع عامه مردم، خصومت‌های محیطی را ذکر کرد ولی ذکر مداوم آن «مانع‌های ملی» نمی‌شود باید محیط را به نفع خود تغییر داد، اصولاً ذات مدیریت همین است و بس. برای همین هم هست که مدل‌های مختلفی برای کشورداری در شرایط تهدید، تحریم، فشار و ... وجود دارد. گفتن این که «مدیران قبلی، حاکمان قبلی، سیاستمداران قبلی و ...». کشور را به این انداخته‌اند توجیه‌گر ادامه رخ دادن میل‌ها در کشور نیست. اگر حاکمی، رئیس‌جمهوری، وزیری می‌دانسته وضعیت اسفبار است و قابل‌احیاء نیست نایستی مسئولیت را بپذیرد و تداوم حیف‌های ملی را به دوش قبلی‌ها بیندازد. این حرکت نافع علم‌کشورداری است. اگر همه چیز آماده، همه منابع لازم به وفور در اختیار، همه نیروی انسانی لازم در حالت با کیفیت در اختیار باشند، مدیریت حکمرانی و اداره امور بی‌معناست زیرا این علوم آماده‌اند تا در شرایط محدودیت موفقیت مدیران و حاکمان را تضمین کنند. متأسفانه در هر دوره انتخابات ریاست جمهوری با زیر سؤال بردن رئیس‌جمهور قبل، سکان اجرایی کشور به دست گرفته می‌شود و همانطور که دولت قبلی بخش اعظم عدم توفیق خود را به دولت قبلی احاله می‌کرد، این دولت را نیز به چنین سستی روی آورده است که از منظر علم‌کشورداری قابل قبول نیست. اگر در ابتدای انتخابات به مردم گفته نشود ما اوضاع را درست می‌کنیم و بهبود می‌دهیم که کسی به کاندیدای محترم رأی نمی‌دهد. اگر



گفته شود معلوم نیست چه می‌شود؟ دولت قبلی همه چیز را خراب کرده است، ممکن نیست اوضاع بهتر شود، مردمی اقبال به ما نخواهند کرد. در پرتو علم کشورداری ادعا می‌کنید که ما می‌توانیم کشورداری کنیم، بنابراین این که نمی‌گذارند کاری کنیم در چنین علمی توجیه‌بردار نیست.

نتیجه‌گیری

«کثرت حیف‌ها» امید و اطمینان به حاکمیت، سیاستمداران، خط‌مشی‌گذاران و مدیران را تنزل می‌دهد. اگرچه میل‌ها (فسادها) در سیستم کشورداری بیشتر مورد توجه جامعه قرار می‌گیرد ولی حیف‌های ملی حاصله از «خط‌مشی‌های ملی» به واسطه خاصیت ناملموششان چندان مورد اهتمام جامعه قرار نمی‌گیرد، حیف‌های که اثراتی صد چندان نسبت به میل‌ها دارد. مردم عادی هر کشوری هم بعضاً می‌دانند که چرا فرصت‌های ملی کشورشان از دست می‌رود، آنها می‌دانند که کفایت و ظرفیت مدیران، خط‌مشی‌گذاران رمز و راز اصلی احتراز از وقوع حیف‌های ملی است. عوامل ساختاری، فرآیندی و بعضاً ایدئولوژیک نقش مهمی در ورود نیروهای با کیفیت در دستگاه کشورداری ایفا می‌کنند، بنابراین تأمل بر این عوامل می‌تواند در بهبود این نیروها اثرگذار باشد. برای احتراز از وقوع حیف‌ها علمی به نام علم کشورداری در جهان تولید شده است که شامل علم حکمرانی، علم اراده و علم عملیات است. تجهیز این نیروهای با کفایت به چنین علومی می‌تواند حیف‌ها را کاهش دهد، همانطور که تجارب بسیاری از کشورها موید این ادعا است. باید یقین داشت گاهی اثر حیف‌ها ممکن است از بین رفتن تمدنی، ساقط شدن حکومتی، از کار افتادن دولتی یا اضمحلال یک کشوری باشد، باید سرنوشت کشور را به علم کشورداری مبتنی بر فلسفه سیاسی مصرح در قانون اساسی سپرد تا «دیر نشود و آنگاه افسوس خوردن به داروی بی‌اثری تبدیل شود». ایران کشوری بزرگ با ظرفیت‌های عظیم به اتکاء رهبران فهیم خود می‌تواند مانع حیف‌های ملی شود و کشور را مقتدر در جهان و قابل اتکاء در نزد مردمانش سازد.



۷- منابع

- [۱] افشار زین‌العابدین، پاک‌سرشت سلیمان، افشار سعید. (۱۳۹۷). فرآیند شکل‌گیری فساد در ایران بعد از انقلاب. *نشریه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه*، سال ۷، شماره ۲، صص ۱-۱۴.
- [۲] زاهدغروی مهدی، کریمی پتانلار مهدی، علمی زهرا، گیلک حکیم‌آبادی محمدتقی. (۱۳۹۶). علل، آثار و روندهای فساد مالی اقتصاد ایران: رویکرد آثار عدیده- علل عدیده. *نشریه مطالعات و سیاست‌های اقتصادی*، سال ۴، شماره ۲، صص ۱۰۱-۱۲۶.
- [۳] گلخندان ابوالقاسم، صحرایی سمیه. (۱۳۹۹). تأثیر فساد بر تخصیص مخارج عمومی به بخش دفاعی و امنیتی ایران. *فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان*، شماره ۲۹، صص ۱۶۵-۱۴۴.
- [۴] زاهدغروی مهدی، کریمی پتانلار مهدی، علمی زهرا، گیلک حکیم‌آبادی محمدتقی. (۱۳۹۸). اثر فساد مالی بر رشد اقتصادی ایران: رویکرد تخصیص استعدادهای جستارهای *اقتصادی ایران*، شماره ۳۲، صص ۲۹۶-۲۶۹.
- [۵] برومند شهرزاد. (۱۳۸۷). فساد، سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و رشد اقتصادی (مطالعه موردی: ایران)، *اقتصاد مقداری*، سال ۵، شماره ۲، صص ۱۰۷.
- [۶] محمدی علی، زرگر علی‌اصغر، امینی علی‌اکبر. (۱۳۹۸). تبیین آثار فساد در عدم تحقق حقوق شهروندی در جمهوری اسلامی ایران: چالش‌ها و راه‌کارها. *مجله علمی پژوهشی حقوق پزشکی* شماره ۱۳، صص: ۱۳-۱۵۱.
- [۷] افضل‌الرحمن. (۱۳۹۰). فساد اداری و تأثیر آن بر توسعه: علل، پیامدها و راهکارهای برون رفت. *مجله حقوقی بین‌المللی*، شماره ۴۵، صص ۲۳۵.
- [۸] محمدی مهدی، رفیعی حسن، موسوی میرطاهر، حسین‌زاده سمانه. (۱۳۹۵). ادراک فساد و احساس عدالت اجتماعی. *مسائل اجتماعی ایران*، سال ۷، شماره ۱، صص ۱۴۴-۱۲۵.
- [۹] محمدپناه امیرحسین، صیرکیش علیرضا. (۱۳۹۲). بررسی تأثیر فساد اداری بر کاهش بهره‌وری نیروی انسانی در سازمان پلیس، *فصلنامه منابع انسانی ناجا*، شماره ۳، صص ۹۹-۱۲۰.



- [۱۰] حاجی‌پور محسن. (۱۳۹۵). فساد اداری و راه‌های مبارزه با آن در دستگاه‌های اجرایی. تهران: انتشارات خوزستان.
- [۱۱] حبیبی نادر. (۱۳۷۵). فساد اداری (عوامل موثر و روش‌های مبارزه). تهران: ناشر وقتی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی